



کشف جرم، تحت نظر و افتراقی شدن حقوق مظنون در نظام‌های دادرسی کیفری ایران، فرانسه و آمریکا

محمد مسعود ملازمیان^۱

عباس شیخ الاسلامی^۲

محمد آشوری^۳

مجید شایگان فرد^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۳۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶

چکیده

حفظ امنیت و حقوق و آزادی‌های فردی، اهداف دوگانه آیین دادرسی کیفری است. تحقق این اهداف بطور همزمان در جرایم خاص مانند جرایم تروریستی و امنیتی، امری دشوار است. با توجه به کافی نبودن مقررات دادرسی کیفری عمومی در این حوزه، قانونگذاران ناچار به اتخاذ سیاست کیفری افتراقی در این حوزه شده‌اند. مرحله تحت نظر که با ویژگی‌های خاص خود، بیش از هر مرحله دیگری امکان نقض حقوق مظنون را به ذهن متبادر می‌سازد، در معرض رویکردهای افتراقی نیز قرار گرفته است. نظام‌های دادرسی کیفری فرانسه و آمریکا با رویکرد افتراقی به حقوق مظنون در مرحله تحت نظر جرایم خاص، اقدام به پیش‌بینی ضابطان خاص، تمدید مدت تحت نظر، کیفیت اطلاع‌رسانی موضوع اتهام و ادله آن و حقوق دفاعی مظنون و محدودیت مداخله آزادانه وکیل مظنون کرده‌اند. در نظام دادرسی کیفری ایران رویکرد افتراقی، نه در قانون بلکه در رویه قضایی و بخشنامه‌های صادره ملاحظه می‌شود که چالش مهم مرحله تحت نظر است. در این بین، نظام فرانسوی با اصلاحات متعدد و تحت تاثیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، توازن بیشتری در رویکرد افتراقی بین حقوق مظنون و حق بر امنیت ایجاد کرده است.

کلید واژه‌ها

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

Mohamadmasoudmolazemian@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول): sheikhholeslami@mshdiau.ac.ir

^۳ استاد گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. m-ashouri@srbiau.ac.ir

^۴ استادیار گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. Majid.shaygan2021@yahoo.com

تحت نظر، مظنون، دادرسی افتراقی، حق بر آگاهی، حق بر وکیل.

مقدمه

نخستین و مهم‌ترین معیار ارزیابی نظام‌های مختلف حقوقی و در دیدگاه وسیع‌تر، سیاست‌جنایی حاکم بر نظام‌های مختلف، عدالت‌کیفری است. تعاریف و برداشت‌های مختلف و متفاوتی از عدالت ارائه شده است که هریک بر مبنای زاویه دید و مبنای تحلیل متفاوت بوده و جنبه‌ای از این مهم را به تصویر کشانده است. آنچه بیش از همه در تحقق عدالت در ارتباط با حکومت و شهروندان قابل توجه است، اصول و قواعد حاکم بر حقوق کیفری یک کشور است. از دیرباز قواعد و مقررات حقوق کیفری به قواعد ماهوی و شکلی تقسیم شده است. قواعد و مقررات ماهوی، یا به عبارتی حقوق کیفری ماهوی، بیانگر حقوق و تعهدات اشخاص در برابر هم، توصیف رفتارهای مجرمانه و شرایط تحقق آنها و ضمانت اجرای تخطی از این قواعد است. در مقابل، از آنجایی که نقض این مقررات و تخطی از این بایدها و نبایدها از سوی افراد محتمل به نظر می‌رسد، اصول و مقرراتی جهت تضمین اجرای آنها و بیان تشریفات و مراحل تعقیب و رسیدگی به نحو عادلانه و منصفانه و همین‌طور تعیین نهادها، دستگاه‌ها و سازمان‌های عهده‌دار این امر لازم است. این بخش به حقوق کیفری شکلی موسوم گردیده است (فلچر: ۳۳، ۱۳۸۴).

هنگامی که سخن از مقررات و حقوق کیفری شکلی به میان می‌آید، بدون تردید قانون آیین دادرسی کیفری و اصول و قواعد راجع به آن، به عنوان نماد اصلی این مقررات جلوه‌گر می‌شود. قانون آیین دادرسی کیفری و جهت‌گیری‌های کلی آن، معیاری قابل توجه برای ارزیابی مدل سیاست جنایی دولت و در عین حال، شناسایی میزان پای‌بندی به حقوق و آزادی‌های فردی محسوب می‌شود، تا آنجا که از آن به عنوان نماد شناخت آزادی‌ها تعبیر شده است. ماریو پاگانو، حقوق‌دان ایتالیایی سده هجدهم، در این زمینه می‌گوید، هرگاه وارد کشور ناشناخته‌ای شدید و خواستید در مورد آزادی‌های مدنی شهروندان و نحوه حمایت آن توسط حاکمان اطلاعاتی داشته باشید، باید به قانون آیین دادرسی کیفری آن کشور مراجعه کنید (نجفی ابرندآبادی: ۸۸، ۱۳۹۴). بنابراین اهمیت آیین دادرسی کیفری از این جهت و همین‌طور از حیث اهداف دوگانه آن، یعنی حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی افراد جامعه و اعاده نظم مختل شده در نتیجه ارتکاب جرم (خالقی: ۲۳، ۱۳۹۴) قابل انکار نیست و بی‌جهت نیست که گفته شده عدالت کیفری را باید در آیین دادرسی کیفری جستجو کرد (آشوری: ۲۵، ۱۳۹۵). دادرسی کیفری جزئی از پاسخ حکومت به جرم و بخشی از سازوکاری است که حکومت از طریق آن حقوق کیفری ماهوی را اجرا می‌کند. دادرسی کیفری از کشف جرم شروع و تا دادرسی و صدور و اجرای حکم ادامه می‌یابد. (Ashworth, 2010, 2)

یکی از مراحل مهم و سرنوشت‌ساز در فرایند کیفری، مرحله کشف جرم و به تبع آن موضوع تحت نظر قرار دادن مظنون به ارتکاب جرم توسط ضابطان یا پلیس است. اهمیت تحت نظر از این جهت بیشتر خودنمایی می‌کند که مظنون به ارتکاب جرم که در پناه اصل برائت به سر می‌برد و در تعارض با اصل

آزادی و بدون تصمیم قضایی، در بازداشت پلیسی قرار گرفته است و بیشتر از هر زمانی در معرض نادیده گرفته شدن حقوق قانونی قرار دارد. رویکرد نظام‌های دادرسی کیفری ایران، فرانسه و آمریکا به مرحله کشف جرم و مقامات صالح در این مرحله و ویژگی‌های تحت نظر یا بازداشت پلیسی دارای تفاوت‌هایی است که مطالعه تطبیقی آنها با توجه به تعلق آنها به نظام‌های دادرسی کیفری متفاوت، می‌تواند نقاط ضعف و قوت هر نظام را روشن سازد.

تحت تاثیر تحولات بزهکاری و ظهور گونه‌های جدید جرایم مانند اعمال تروریستی، جرایم سازمان‌یافته و ...، نظام‌های دادرسی با ناکافی دانستن مقررات عمومی در این حوزه، روی به گزینش دادرسی افتراقی در حوزه‌های خاص آورده‌اند. این امر سبب محدودیت‌هایی در حقوق و آزادی‌های مظنون در مرحله تحت نظر گردیده است. شناسایی و مدیریت رویکرد افتراقی در این مرحله یکی از نیازهای ضروری نظام دادرسی کیفری به ویژه در ایران می‌باشد.

به این ترتیب، سوال اصلی این مقاله، بررسی میزان پای‌بندی نظام‌های دادرسی کیفری مورد مطالعه به حقوق دفاعی مظنون در مرحله تحت نظر و ماهیت محدودیت‌های اعمال شده در رویکرد افتراقی در این مرحله و چگونگی نظام‌مند ساختن رویکرد افتراقی در جرایم خاص است. فرضیه این نوشتار نیز این است که در نظام دادرسی کیفری ایران، رویکرد افتراقی در قانون پیش‌بینی نشده و در مرحله کشف جرم قانونگذار تمام جرایم را از حیث امکان تحت نظر قرار دادن مظنون، مدت تحت نظر، ملاقات با وکیل و سایر حقوق مظنون یکسان در نظر گرفته اما در رویه قضایی رویکرد متفاوتی دیده می‌شود. هدف این مقاله از مطالعه تطبیقی استفاده از دستاوردهای تقنینی نظام‌های دادرسی کیفری فرانسه و آمریکا جهت اتخاذ یک رویکرد افتراقی در جرایم خاص می‌باشد. به این منظور، پس از تبیین مفهوم تحت نظر و موجبات آن و شناسایی رویکرد افتراقی در سیاست جنایی، رویکرد افتراقی در ساختار مرحله تحت نظر و همچنین در حقوق دفاعی مظنون مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۱- تحت نظر، تعریف و موجبات

کشف جرم به عنوان یکی از مراحل فرایند کیفری، به عهده ضابطان دادگستری است. در مرحله کشف جرم و در جرایم مشهود، امکان سلب آزادی مظنون توسط ضابطان و بدون دستور قضایی وجود دارد. یکی از حقوق اساسی و بنیادین اشخاص، حق آزادی است و سلب این حق توسط ضابطان، محل تقابل امنیت و آزادی محسوب می‌شود. این موضوع، لزوم شناسایی نظام حقوقی خاصی را برای سلب آزادی در مرحله تحت نظر یا بازداشت پلیسی ضروری می‌سازد. در این نظام، حقوق خاصی برای مظنون تضمین می‌گردد. پیش از شناسایی حقوق مظنون و جلوه‌های حقوق دفاعی در این مرحله، تبیین تعریف تحت نظر، شناسایی ضابطان به عنوان مرجع و مقام عهده‌دار کشف جرم، شرایط و مدت تحت نظر در دادرسی عمومی و افتراقی ضرورت دارد.

۱-۱- تعریف

تحت نظر^۱ ناظر به مرحله‌ای است که مظنون به ارتکاب جرم در بازداشت پلیس به سر می‌برد. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، تعریفی از تحت نظر صورت نگرفته است. بند یک ماده یک آیین‌نامه نحوه اداره بازداشتگاه‌های انتظامی مصوب اسفند ۱۳۹۱ قوه قضاییه، تعریفی بدین شرح ارائه می‌دهد: «مکانی که متهمان حسب مورد به دستور مقام قضایی یا در جرایم مشهود به موجب قانون بر اساس گزارش کتبی ضابطان و قضات ذی‌صلاح قانونی تا تسلیم به مقام قضایی و حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت در آن محل نگهداری می‌شوند.» (آشوری، پیشین، ۲۵۷) می‌توان تحت نظر را اختیاری دانست که در شرایط ویژه به ضابطان داده می‌شود تا در شرایط خاص، افرادی را که حسب ادله موجود، مظنون به ارتکاب جرم هستند، برای مدت مشخصی در اماکن پلیس نگهداری کنند (انصاری: ۴۳۶، ۱۳۹۰). همین‌طور در تعریفی دیگر، بازداشت پلیسی یک اقدام سالب آزادی به‌شمار می‌رود که طی آن پلیس قضایی شخصی را برای مدت محدود و مشخص و طبق قانون، تحت نظر و اختیار خود قرار می‌دهد (آشوری و سپهری: ۴، ۱۳۹۲). بر اساس قسمت دوم ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در جرایم مشهود و با این شرط که نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان اجازه سلب آزادی مظنون به ارتکاب جرم را برای مدت محدود دارا هستند (رحمدل: ۴۴، ۱۳۹۴). با توجه به اینکه سلب آزادی از مظنون بدون دستور مقام قضایی، یک حکم خاص و استثنایی است، بنابراین اختیار ضابطان محدود به شرایط مقرر قانونی است و تحت هیچ شرایطی قابل افزایش نمی‌باشد. این اختیار از این حیث که برای تمام جرایم در آیین دادرسی کیفری ایران پیش‌بینی شده، قابل انتقاد است.

در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه بر اساس ماده ۲-۶۲ اصلاحی ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ تحت نظر در شرایط خاص پذیرفته شده است (Stefani and others, 2020, 441). به موجب این ماده «تحت نظر تدبیری است قهرآمیز که اتخاذ تصمیم نسبت به آن، به یک افسر پلیس قضایی که تحت نظارت مقام قضایی انجام وظیفه می‌کند، واگذار شده است و به موجب آن شخصی که یک یا چند دلیل اقناع‌کننده دال بر وجود ظنی مبنی بر ارتکاب یا شروع به ارتکاب جنحه یا جنایتی که در قانون برای آن مجازات حبس لحاظ شده باشد وجود دارد، در اختیار ماموران تحقیق قرار می‌گیرد.» (آشوری، پیشین، ۲۶۴) همان‌طور که از مقایسه قانون آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه مشخص می‌شود، دامنه جرایم تحت شمول در حقوق فرانسه محدود به جنایت و جنحه‌هایی است که مجازات حبس برای آنها پیش‌بینی شده است، در حالیکه در حقوق ایران، تمامی جرایم و با هر مجازاتی، مشمول تحت نظر قرار می‌گیرند.

¹ Garde a Vue.

در نظام دادرسی کیفری آمریکا، از اصطلاح تحت نظر استفاده نشده و این موضوع تحت عنوان دستگیری بیان شده است.^۱ بر این مبنا، یک افسر پلیس در صورتی که دلیل موجهی برای دستگیری شخص مظنون داشته باشد، امکان دستگیری او را بدون حکم قضایی خواهد داشت (کوشکی و سهیل مقدم: ۱۹۶، ۱۳۹۵). بیشتر ایالات در آمریکا، اجازه دستگیری بدون حکم قضایی را تنها در صورت ارتکاب یک جنایت در حضور افسر پلیس پیش‌بینی کرده‌اند که البته لازم است بازداشت‌شدگان، به سرعت نزد مقام قضایی حضور یابند (Hall, 2009, 435). از آنجایی که دستگیری و بازداشت، جدی‌ترین نوع برخورد پلیس با شهروندان است، بنابراین شدیدترین الزامات قانون اساسی شامل آن می‌شود که در اصلاحیه‌های چهارم، پنجم و ششم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا تصریح شده است (Scheb, 2012, 480). بدین ترتیب، در حقوق آمریکا نیز دستگیری که معادل تحت نظر در ایران و فرانسه در نظر گرفته می‌شود، محدود به جنایات و برخی جنحه‌ها بوده (نیوپور: ۱۸۸، ۱۳۸۹) و از حقوق ایران از نظر نوع جرایم مشمول تحت نظر، محدودتر است. در آمریکا، پلیس فقط در خصوص جنایات و جنحه‌هایی که به صورت مشهود ارتکاب می‌یابد، با شرایطی مجوز دستگیری مظنون به ارتکاب جرم را بدون دستور قضایی دارد، در حالی که در حقوق ایران این موضوع در مورد همه جرایم صادق است.

۱-۲- موجبات

سلب آزادی از مظنون به ارتکاب جرم و تحت نظر قرار دادن یا بازداشت پلیسی، ضمن مخالفت با اصل برائت، حق آزادی اشخاص را با محدودیت مواجه می‌کند. بنابراین در نظام‌های دادرسی کیفری مختلف، شرایط و موجبات آن به‌طور دقیق پیش‌بینی شده و خارج از این شرایط، ضابطان حق سلب آزادی و بازداشت پلیسی افراد را ندارند.

در خصوص شرایط و موجبات تحت نظر قرار دادن مظنون به ارتکاب جرم، قسمت دوم ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در صورتی که در جرایم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، این موضوع را پیش‌بینی کرده است. به این ترتیب، دو شرط برای تحت نظر در قانون وجود دارد. اولین شرط مربوط به مشهود بودن ارتکاب جرم است. در حقوق ایران تحت نظر تنها در جرایم مشهود تجویز شده است (آشوری، پیشین، ۱۲۵۳). قانونگذار بدون تعریف جرم مشهود، مصادیق آن را در ماده ۴۵ پیش‌بینی کرده است. تنها قسمت اول بند الف ماده ۴۵ یعنی واقع شدن جرم در مرئی و منظر ضابطان دادگستری، جرم مشهود واقعی بوده و سایر مصادیق در حکم جرم مشهود هستند (خالقی: ۶۳، ۱۳۹۲). شرط دوم تحت نظر قراردادن مظنون به ارتکاب جرم که قانونگذار با مسامحه متهم خوانده است، شرط ضرورت است. شرط ضرورت به این معنی است که تحت نظر قرار دادن مظنون در جرایم مشهود به‌طور مطلق تجویز نشده است، بلکه باید ضرورت تکمیل تحقیقات این امر را توجیه کند. هر چند قانونگذار اشاره صریحی

¹ Arrest.

نکرده، اما دلایل این ضرورت باید از سوی ضابطان اعلام شود تا قابل بررسی و ارزیابی توسط مقام قضایی باشد. همین‌طور مناسب بود قانونگذار ایران، تحت نظر در جرایم مشهود را به جرایم خاصی محدود کرده و مطلق جرایم را مشمول این قاعده قرار نمی‌داد.

در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز براساس ماده ۲-۶۲ اصلاحی ۱۴ آوریل ۲۰۱۱، تحت نظر در شرایط خاص پذیرفته شده است. بر این مینا، تحت نظر به عنوان یک نهاد الزام‌آور طبق تصمیم پلیس قضایی و با نظارت مقام قضایی در مورد افرادی که دلایل قابل قبولی بر ارتکاب یک جنایت یا جنحه علیه آنها وجود دارد و برای تحقق یکی از اهداف مقرر در قانون قابل اجرا خواهد بود. در اصلاحات سال ۲۰۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، این اهداف شامل امکان تحقیق و تفحص با حضور یا مشارکت مظنون، تضمین معرفی مظنون به دادستان برای ارزیابی ضرورت تمدید مدت تحت نظر تا ۴۸ ساعت، ممانعت از ایجاد تغییر در ادله و قرائن مادی جرم، جلوگیری از اعمال فشار نسبت به بزهدیده، خانواده یا نزدیکان آنها، پرهیز از امکان تبانی مظنون با دیگران شامل شرکا و معاونان او و اتخاذ تدبیر لازم برای تضمین قطع ارتکاب جنایت یا جنحه است (آشوری، پیشین، ۲۶۴).

همان‌طور که ملاحظه می‌کنیم در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز تحت نظر در موارد خاص که البته با تفصیل و دقت بیشتری نسبت به قانون آیین دادرسی کیفری ایران بیان شده، پیش‌بینی شده است. در ایران نیز مانند فرانسه، ضابطان باید از لحظه شروع تحت نظر، مراتب را فوری به دادستان اعلام کنند. همین‌طور در مواد ۵۳ و ۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، صلاحیت افسر پلیس قضایی در تحت نظر قرار دادن مظنون در جرایم مشهودی که از درجه جنایت یا جنحه باشند، مورد اشاره قرار گرفته است.

در نظام دادرسی کیفری آمریکا از اصطلاح تحت نظر استفاده نشده و این موضوع تحت عنوان دستگیری بیان شده است. بر این مینا، یک افسر پلیس در صورتی که دلیل موجهی برای دستگیری شخص مظنون داشته باشد، امکان دستگیری او را بدون حکم قضایی خواهد داشت (کوشکی و سهیل مقدم، پیشین، ۱۹۶). بیشتر ایالات در آمریکا، اجازه دستگیری بدون حکم قضایی را تنها در صورت ارتکاب یک جنایت در حضور افسر پلیس پیش‌بینی کرده اند (Hall, op.cit, 43). از آن‌جایی که دستگیری و بازداشت، جدی‌ترین نوع برخورد پلیس با شهروندان است، بنابراین شدیدترین الزامات قانون اساسی شامل آن می‌شود که در اصلاحیه‌های چهارم، پنجم و ششم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا تصریح شده است (Scheb, op.cit, 480).

در حقوق آمریکا، وجود یک دلیل معقول برای پلیس در جهت بازداشت مظنون لازم است. به عبارت دیگر، لازم است قبل از این که پلیس اقدام به دستگیری مظنون به ارتکاب جرم کند، بیش از پنجاه درصد به ارتکاب جرم توسط مظنون علم حاصل شده باشد. این نکته قابل توجه است که در شرایط خاص، پلیس حق دارد که

مظنون را برای مدت کوتاهی جهت پاسخ دادن به پرسش‌های خود، توقیف کند که در اینجا ضابطه ظن متعارف که کمتر از دلیل معقول است، کافی خواهد بود (ضرغامی، ۷۹، ۱۳۹۷).

در حقوق ایران و فرانسه، موجبات و شرایط افتراقی تحت نظر قرار گرفتن مظنون به ارتکاب جرم به صورت جداگانه پیش‌بینی نشده است، اما در نظام دادرسی کیفری آمریکا، بخش ۴۱۲ قانون میهن‌پرستی، بازداشت اجباری مظنونان به اقدام تروریستی را پیش‌بینی کرده که یک رویکرد افتراقی در خصوص شرایط بازداشت پلیسی در این نظام محسوب می‌شود. از نظر قانون مذکور، در صورتی که مظنون به اقدام تروریستی یک شخص بیگانه باشد و یا این شخص بیگانه به نحوی با عملیات تروریستی ارتباط داشته باشد و خود نیز مرتکب جرم تروریستی نشده باشد، بازداشت پلیسی اجباری در مورد او اجرا خواهد شد (Scheb, op.cit, 477).

در پرونده رسول علیه بوش، دولت با مقاومت دیوان عالی آمریکا مواجه شد. در این پرونده قوه مجریه مدعی بازداشت افراد خارجی دستگیر شده در عملیات نظامی آمریکا علیه اقدامات تروریستی به مدت دو سال و بدون حق دسترسی به دادگاه‌های ایالات متحده در پایگاه دریایی گوانتانامو بود، ولی دیوان عالی این ادعا را بر خلاف قانون اساسی آمریکا تشخیص داد (موزن‌زادگان و همکاران، ۵۶، ۱۳۹۷).

۲- افتراقی شدن دادرسی کیفری

افتراق به معنی از یکدیگر جدا شدن و پراکنده گردیدن آمده است (دهخدا، ۲۴۳، ۱۳۷۲). حکومت‌ها گاهی به جهت مصالح خاصی در زمان و مکان خاص و یا در حوزه‌های ویژه، از مدل سیاست جنایی رایج فاصله می‌گیرند.

در کشورهای دموکراتیک و مدل لیبرال سیاست جنایی نیز، در حوزه جرایم علیه دولت و امنیت، رویکرد امنیت‌گرایی سبب شده تا در جرایم خاص و گاهی در اغلب حوزه‌های عدالت کیفری، سخت‌گیری و نقض حقوق متهمان در فرایند دادرسی کیفری مشهود باشد (دبیرزاده، ۱۶، ۱۳۹۸). در واقع، راهبرد انقطاعی در سیاست جنایی، از طریق فاصله گرفتن از مدل اصلی و در نهایت جانمایی سیاست امنیت‌مدار (دل‌ماس مارتی، ۳۷۱، ۱۳۹۳) با سیاست حاکم خود را آشکار می‌سازد. اتخاذ این رویکرد در سیاست جنایی، در آیین دادرسی کیفری افتراقی خود را نشان می‌دهد. در واقع، «عصر برخورد یکسان با بزهکاری به سرآمده است و با متنوع شدن جرایم، بزه‌کاران و بزه‌دیدگان، از نظر گونه‌شناسی باید متنوع کردن راهبردها و پاسخ‌های حقوق کیفری و به‌طور کلی سیاست جنایی را نیز بررسی کرد» (نجفی ابرنآبادی، ۵۳، ۱۳۹۰).

با این حال و در پرتو الگوی کنترل جرم در دادرسی کیفری (قپانچی و دانش ناری، ۱۶۷، ۱۳۹۱)، «افتراقی شدن دادرسی کیفری نیز در واقع ناظر به همین چندلایه شدن و چندگانه و نامتجانس شدن سیاست جنایی است» (پاک‌نیت، ۲۰، ۱۳۹۶). مدل سنتی حاکم بر دادرسی کیفری و روش یکسان برخورد

با جرایم عمومی، به‌طور مسلم، توانایی مدیریت نسل جدید جرایم سازمان‌یافته را نخواهد داشت. حقوق کیفری ماهوی افتراقی، حقوق کیفری شکلی افتراقی را نیز می‌طلبد.

رویکرد مدیریتی امنیت‌گرا یا گفتمان امنیت‌گرایی به بهانه تامین امنیت، یکی از رویکردهای دادرسی کیفری افتراقی است (دبیرزاده، پیشین، ۱۰۵) که در همه حکومت‌های مردم‌سالار یا اقتدارگرا و غیردموکراتیک می‌تواند با نقض یا محدودیت شاخص‌های دادرسی عادلانه خود را نشان دهد. در حال حاضر، برخی مدل‌های لیبرال سیاست جنایی، با گسترش شبکه‌های امنیتی به سمت سیاست‌های امنیت‌مدار، در برخی حوزه‌ها به الگوی اقتدارگرا نزدیک می‌شوند (همان، ۱۰۶).

در فرانسه که مدل مرجع، مدل دولت-جامعه لیبرال است، گاهی به مدل دولت اقتدارگرا در برخی حوزه‌ها نزدیک شده است (Touillier, 2015, 50). در این کشور با این که ماده ۱-۳-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری، حق همراهی و کیل از ابتدای تحت‌نظر قرار گرفتن مظنون به ارتکاب جرم را پیش‌بینی کرده، در مواردی با روی آوردن به سیاست افتراقی، این حق را محدود کرده است، به‌طوری‌که در جرایم سازمان‌یافته و تروریستی حق ملاقات با وکیل می‌تواند تحت شرایطی به تعویق افتد (آشوری و سپهری، پیشین، ۲۳).

حقوق آمریکا، در پی حملات تروریستی یازدهم سپتامبر، کامل‌ترین نمونه‌ای است که خطر نابودی نظام کیفری یک دولت دموکراتیک را از راه پارادایم جنگ علیه جرم و افتراقی کردن دادرسی کیفری در جرایم تروریستی ترسیم کرده است (دبیرزاده، پیشین، ۱۰۶). با استناد مقامات آمریکایی به تهدید زندگی ملت آمریکا، پس از این واقعه حجم مقررات علیه تروریسم و تغییرات اساسی در حقوق کیفری شکلی و ماهوی در این حوزه، فزونی یافت. (Jimeno, 2015, 151) با اینکه در حقوق آمریکا بر اساس قاعده میراندا، متهم حق انتخاب آزادانه وکیل در همه مراحل فرایند کیفری را دارد و پلیس باید این حق را به اطلاع متهم برساند، قوانین مرتبط در جرایم تروریستی با اتخاذ شیوه افتراقی، این قواعد را در مورد غیرشهروندان که خارج از ایالات متحده بازداشت می‌شوند، رعایت نمی‌کنند. جای مراجع قضایی در اتخاذ تصمیم را نیز، کمیسیون‌های نظامی گرفته و در محاکم نیز شعب خاصی به این جرایم اختصاص یافته است (Smith, 2003, 375).

۳- افتراقی شدن در ساختار تحت نظر

رویکرد افتراقی آیین دادرسی کیفری در مرحله کشف جرم و تحت نظر می‌تواند ناظر به شکل و ساختار این مرحله باشد. در این رویکرد، سیاست افتراقی مستلزم ایجاد نهادهای خاص کشف جرم و پیش‌بینی مدت متفاوت تحت نظر گرفتن مظنون نسبت به دادرسی کیفری عمومی است. جلوه‌های افتراقی شدن در ساختار در دو بند نسبت به پلیس یا ضابطان خاص و همین‌طور، مدت تحت نظر در دادرسی کیفری عمومی و افتراقی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱-۳- پلیس یا ضابطان خاص

مرحله کشف جرم و تحت نظر با حضور و نقش آفرینی پلیس یا ضابطان دادگستری همراه است. ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ایران در معرفی ضابطان اعلام می‌کند: «ضابطان دادگستری مامورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علایم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.» با این وجود، ضابطان به عنوان بازوان اجرایی مقامات قضایی (خالقی، پیشین، ۵۲) ضمن بر عهده داشتن کشف جرم، در اقدامات تحقیقی نیز تحت نظارت دادستان و بازپرس وظایفی را انجام می‌دهند. قانونگذار ایران در ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، ضابطان را به دو گروه عام و خاص تقسیم کرده است. ضابطان عام، صلاحیت دخالت در همه جرایم را دارند، مگر در جرایمی که استثناء شده باشد. ضابطان خاص، مامورانی هستند که صلاحیت دخالت آنها و ضابط شناخته شدن ایشان، محدود به جرایم خاص، مکان‌های خاص و یا شرایط معین می‌باشد (خالقی: ۶۵، ۱۳۹۴). با تصریح ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری، ریاست و نظارت بر ضابطان به عهده دادستان است و به عبارت دیگر، مدل سلسله مراتبی (شیدائیان، ۲۴۷، ۱۴۰۰) بر روابط دادرسی و ضابطان حاکم است.

در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه از دو نوع پلیس قضایی و اداری صحبت شده است. پلیس اداری وظیفه پیشگیری از جرم و بازبایی نظم مختل شده را دارد (Stefani and others, op.cit, 343). پلیس قضایی که شامل افسران پلیس قضایی، ماموران پلیس قضایی و ماموران معاون پلیس قضایی و بالاخره، کارمندان و مامورانی که در برخی قوانین خاص، عهده‌دار انجام وظایف پلیس قضایی هستند، تحت مدیریت دادستان شهرستان به انجام وظیفه می‌پردازند. تنها افسران پلیس قضایی اجازه تحت نظر قرار دادن افراد را دارند (مجیدی، ۳۳۹، ۱۳۸۸).

به موجب ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه: «افسران پلیس قضایی موظفند بلافاصله دادستان شهرستان را در جریان کشف و شناسایی جنایات و جنحه‌هایی که آگاهی پیدا کرده‌اند، قرار دهند. آنها موظفند بعد از پایان اقدامات و عملیات خود، اصل و کپی برابر با اصل صورتجلسه‌های تنظیمی را برای دادستان شهرستان تهیه کنند. همچنین آنها موظفند تمام اسناد و مدارک لازم و اشیاء توقیفی را به دادستان شهرستان تحویل دهند.»

در آمریکا نیز پلیس در دادرسی کیفری نقش آفرینی کرده و در تحت نظر قراردادادن مظنون یا متهم و جمع‌آوری ادله ایفای نقش می‌کند (نیوبور، پیشین، ۲۶۳). در کشور آمریکا، در کنار دادگاه‌ها، نهادهای اجرای قانون در زیرمجموعه دادگستری قرار دارند. این بخش اصطلاحاً پلیس نامیده می‌شود و نهادی حکومتی است که حفظ نظم و امنیت عمومی و پیشگیری و کشف جرایم را عهده‌دار است (Garner, 2004, 1196). با توجه به سیستم حکومتی و دادگستری ایالات متحده که شامل دو سطح فدرال و ایالتی

هستند، نهاد پلیس نیز در این کشور در دو سطح فدرال و ایالتی وجود دارد (نیوبور، پیشین، ۲۶۴). در کشور آمریکا ارتباطات پلیس با دادستان یک ارتباط دوطرفه است. از یک طرف، پلیس تحقیقات جنایی را برای دادستان انجام می‌دهد و از طرف دیگر، دادستان به عنوان ناظر و مشاور قانونی برای پلیس عمل کرده و توصیه‌های قانونی را برای بهبود عملکرد مطرح می‌کند (ضرغامی، پیشین، ۷۵).

با ظهور اشکال جدید بزهکاری مانند جرایم سازمان‌یافته و جرایم تروریستی، روند افتراقی شدن دادرسی کیفری در حوزه این جرایم سرعت بیشتری گرفت. استفاده از ضابطان خاص یا نهادهای کاشف جرم یکی از جلوه‌های افتراقی شدن در مرحله کشف جرم محسوب می‌شود (جوانمرد: ۲۲، ۱۳۹۶). بند «ب» ماده ۲۰۵ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ اقدام به پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، جرایم سازمان‌یافته ضد امنیتی، اقدامات تروریستی و تهدیدات نرم امنیتی را از وظایف وزارت اطلاعات اعلام کرد. در بند «ب» ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز از ماموران وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه به عنوان ضابطان خاص نام برده است. بدین ترتیب، استفاده قانونگذار ایرانی از این ضابطان خاص، نشان از افتراقی شدن مرحله کشف جرم در جرایم تروریستی، سازمان‌یافته و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور دارد. استفاده از این ضابطان خاص در ماده ۴۴ الحاقی به قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹/۵/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص قاچاق سازمان‌یافته و ماده ۴ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی و ماده ۳۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۸ در خصوص گروه‌های سازمان‌یافته قاچاق کالا و ارز، حکایت از افتراقی شدن دادرسی در این حوزه‌ها دارد. استفاده از ضابطان نظامی، آن‌طور که در مواد ۶۰۳ و ۶۰۴ و ۶۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در کشف جرم و تحقیقات مقدماتی دادرسی نظامی آمده نیز، حکایت از افتراقی شدن مرحله کشف جرم در دادرسی‌های نظامی دارد.

استفاده از نهادها و ضابطان خاص در جرایم تروریستی، بعد از حملات یازدهم سپتامبر و با تصویب قانون موسوم به میهن پرستی^۱ آمریکا در قالب کمیسیون‌های خاص نظامی با اختیارات بسیار گسترده و همین‌طور نیروهای ویژه پلیس در فرانسه، گونه‌ای از افتراقی شدن مرحله کشف جرم است (محسنی: ۱۸۰، ۱۳۹۱). در فرانسه، وضعیت اضطراری که با فرمان نوامبر ۲۰۰۵ واکنش‌های کیفری خاصی پیش‌بینی کرده بود، (Evelyne, 2006, 78) در حوزه افتراقی شدن دادرسی کیفری در مرحله کشف جرم قابل توجه است.

۲-۳- مدت تحت نظر

از لحاظ مدت زمان تحت نظر گرفتن مظنون به ارتکاب جرم، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، بدون تفکیک بین جرایم مختلف، سقف زمانی ۲۴ ساعت را پیش‌بینی کرده و در مورد امکان تمدید آن در جرایم

^۱ USA Patriot Act.

خاص و یا تحت شرایط ویژه، ساکت است. بنابراین تحت هر شرایطی و در هرگونه جرمی، پس از گذشت ۲۴ ساعت از زمان آغاز تحت نظر، باید موضوع توسط مقام قضایی تعیین تکلیف شود. عدم پیش‌بینی آیین دادرسی کیفری افتراقی در مرحله تحت نظر برای جرایم شدید و خشونت‌بار مانند جرایم سازمان‌یافته و تروریستی، یکی از ایرادات وارد بر قانون ایران و چالش‌های رویه قضایی در برخورد با مرتکبان این جرایم است.

قانونگذار فرانسوی پس از اینکه مدت اولیه تحت نظر را در تمام جرایم ۲۴ ساعت اعلام کرد، پیش‌بینی می‌کند چنانچه ضابطان در طی این مدت دلایل یا قرائنی مبنی بر ارتکاب جرم به دست آوردند، امکان تمدید این مدت تا ۴۸ ساعت با موافقت کتبی دادستان وجود دارد (Lazerges, 2010, بند ۲ ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اعلام می‌کند: « با این وجود، با مجوز کتبی و موجه دادستان جمهوری (شهرستان) چنانچه جرمی که شخص در مظان ارتکاب یا شروع به ارتکاب آن قرار گرفته، یک جنایت یا جنحه با مجازات حبس یک سال یا بیشتر از آن باشد و نگهداری فرد تنها شیوه دستیابی به حداقل یکی از اهداف مصرح در بندهای ۱ تا ۶ ماده ۲-۶۲ باشد، تحت نظر می‌تواند برای ۲۴ ساعت دیگر تمدید شود. برای صدور مجوز تمدید، حضور شخص تحت نظر نزد دادستان جمهوری (شهرستان) ضروری است. حضور نزد دادستان می‌تواند از طریق یک ارتباط مخابراتی صوتی-تصویری صورت گیرد. به‌طور استثنایی، صدور مجوز تمدید می‌تواند با تصمیم مکتوب و موجه دادستان و بدون حضور قبلی نزد وی صادر گردد.» در این تمدید اولیه، تحت نظر داشتن مظنون باید تنها راه و شیوه جهت تحقق حداقل یکی از اهداف ماده ۲-۶۲ باشد و صرفاً در خصوص جنایات و جنحه‌های با مجازات حبس یک سال یا بیشتر قابل تحقق خواهد بود.

قانونگذار فرانسوی هم در مرحله تحت نظر و هم در مرحله تحقیقات مقدماتی و نهایتاً رسیدگی، نوعی سیاست کیفری افتراقی را اتخاذ کرده است. به بیان دیگر، در قانون فرانسه، شیوه برخورد قضایی با مظنون و متهم در فرایند کیفری و در جرایم معمولی و متداول، از جرایم بسیار مهم و اغلب استثنایی مانند قتل عمدی، جرایم سازمان‌یافته، جرایم بانندی، قاچاق مواد مخدر و جرایم تروریستی تفکیک شده است (آشوری، پیشین، ۲۶۵). بدین ترتیب، به استناد ماده ۷۳-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، در جرایم مهم و خشونت‌بار، تمدید مدت تحت نظر تا دو مرتبه و هربار به مدت ۲۴ ساعت امکان‌پذیر است و طول مدت تحت نظر را به ۹۶ ساعت می‌رساند که نیازمند تایید قاضی آزادی‌ها و بازداشت است. در جرایم بانندی و سازمان‌یافته در صورت ضرورت تحقیق، به درخواست دادستان و با تصمیم کتبی و موجه قاضی آزادی‌ها و بازداشت، تا ۹۶ ساعت امکان تمدید مدت تحت نظر بر اساس ماده ۸۸-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری وجود دارد (Lazerges, op.cit, 277). در جرایم تروریستی نیز بر اساس مواد ۱-۴۲۱ تا ۶-۴۲۱ قانون مجازات فرانسه و به تجویز ماده ۷۳-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری، تحت شرایطی از جمله وجود خطر جدی و قریب الوقوع یک عمل تروریستی در فرانسه یا خارج از فرانسه و در جهت ضرورت همکاری‌های

بین‌المللی، امکان افزایش مدت تحت نظر تا ۱۴۴ ساعت با دخالت و تصمیم قاضی آزادی‌ها و بازداشت پیش‌بینی شده است (Rousseau, 2016, 141).

در نظام دادرسی کیفری آمریکا نیز حداکثر مدت تحت نظر ۲۴ ساعت اعلام شده است که باید طی این مدت مظنون نزد مقام قضایی حاضر گردد. اگر این دستگیری آخر هفته باشد، ممکن است در صورت عدم تشکیل جلسه دادگاه در آخر هفته، تا صبح روز دوشنبه حضور نزد مقام قضایی به تعویق افتد (Hall, 1986). آنچه در نظام دادرسی کیفری آمریکا، به عنوان یک رویکرد افتراقی در موضوعات مختلف، از جمله نحوه دستگیری و مدت آن تغییر ایجاد کرده، تصویب قانون موسوم به قانون میهن‌پرستی آمریکا در سال ۲۰۰۱ و پس از حوادث ۱۱ سپتامبر است که نه تنها توقیف نامحدود و بی قید و شرط به خصوص در مورد مهاجران را تجویز کرده (محسنی، پیشین، ۱۹۵)، بلکه در مورد افراد مظنون به اقدامات تروریستی، بازداشت اجباری را پیش‌بینی کرده است (موزن‌زادگان و همکاران، پیشین، ۵۶).

۴- افتراقی شدن در حقوق دفاعی مظنون

مرحله تحت نظر، به عنوان اولین مرحله از فرایند کیفری، مشمول تضمین‌های دادرسی کیفری خواهد بود. در مواد ۲ تا ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و ماده مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و اصلاحیه‌های قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، برخورداری مظنون و متهم از حقوق دفاعی در تمام مراحل فرایند کیفری مورد تاکید قرار گرفته است. رویکرد افتراقی دادرسی کیفری، به ویژه در مرحله بازداشت پلیسی سبب محدودیت یا سلب برخی از مصادیق حقوق دفاعی مظنون می‌شود. برخی از مهم‌ترین جلوه‌های حقوق دفاعی مربوط به آگاهی از موضوع اتهام و ادله آن، اطلاع از حقوق دفاعی و حق همراهی وکیل مدافع است.

۱-۴- حق بر آگاهی و اطلاع مظنون از موضوع اتهام و حقوق دفاعی

حق مظنون بر آگاهی که پیش‌شرط اصلی حقوق دفاعی محسوب می‌شود، شامل دو بخش اصلی است. آگاهی و اطلاع از موضوع اتهام و ادله آن و دلایل سلب آزادی وی از یک طرف و از طرف دیگر، آگاهی و اطلاع از حقوق دفاعی که ممکن است مظنون به دلیل بی‌اطلاعی و یا قرار گرفتن در شرایط خاص ناشی از بازداشت، از آنها غافل باشد.

۱-۱-۴- آگاهی از موضوع اتهام و ادله آن

حق آگاهی و اطلاع از موضوع و جهات و علت دستگیری و تحت نظر قرار گرفتن، پیش‌شرط ضروری هرگونه دفاعی محسوب می‌شود. مظنون، قبل از آغاز تحقیق، حق دارد مطلع شود که به دلیل ارتکاب چه جرمی بازداشت شده و تحت بازجویی قرار گرفته است (اردبیلی: ۲۱۲، ۱۳۸۳). این موضوع سبب می‌شود

که مظنون امکان دفاع مناسب از خود را داشته باشد و بتواند به غیرقانونی بودن احتمالی تحت نظر اعتراض کند.

در حقوق ایران اصل ۳۲ قانون اساسی اعلام می‌کند: «در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله و کتبا به متهم تفهیم و ابلاغ شود.» ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز در همین راستا اعلام می‌کند «... چنانچه در جرایم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به‌طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند...» بنابراین، ضابطان موظف هستند با تحت نظر قرار دادن مظنون در جرایم مشهود، موضوع اتهام و دلایل آن را به‌صورت صریح به مظنون تفهیم و اتهام او را در صورت مجلس تحقیقات درج و پس از تفهیم آن، از مظنون امضا بگیرند (خالقی، پیشین، ۷۹).

در مورد تفهیم موضوع اتهام و ادله آن به مظنون باید گفت که تفهیم موضوع و دلایل اتهام به این معنی است که متهم هم از ماهیت افعال مجرمانه خود در اوضاع و احوال زمان ارتکاب و هم از شواهد و دلایل علیه خود اطلاع حاصل کند. زیرا، بدون دلیل نمی‌توان کسی را متهم کرد و به طریق اولی آزادی او را با تحت نظر قرار دادن سلب کرد (اردبیلی، پیشین، ۲۱۳). همین‌طور، تفهیم موضوع اتهام و ادله باید به صورت کتبی و بلافاصله پس از تحت نظر قرار گرفتن مظنون به عمل آید (آشوری، پیشین، ۲۵۳). تفهیم موضوع اتهام توسط ضابطان، به معنای تفهیم اتهام نیست و در این حالت، تنها علت دستگیری باید تفهیم شود (سپهری، ۷۵، ۱۳۹۵). در نظر گرفتن تضمین‌های مورد بحث، در ارتباط با وضعیت نابرابر دادستان و مظنون توجیه می‌شود، چراکه در نظام دادرسی کیفری ایران، ریاست و نظارت بر ضابطان به عهده دادستان است. به این ترتیب، دادستان به‌طور نابرابر به ادله اتهامی دسترسی دارد و این امر سبب نقض اصل تناظر می‌شود. به همین دلیل لازم است بلافاصله بعد از سلب آزادی مظنون در یک جرم مشهود، موضوع اتهام و ادله آن به او تفهیم شود تا از حیث اطلاع از دلایل دستگیری و امکان دفاع در برابر آنها، در وضعیت نسبتاً مشابهی با دادستان قرار گیرد.

در حقوق فرانسه، حق بر اطلاع و آگاهی مظنون، شامل ماهیت جرم ارتكابی، محل و مدت تحت نظر و تمهیدهای احتمالی می‌شود که بدون اینکه استثنایی درباره آن وجود داشته باشد، در ماده ۱-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه پیش‌بینی شده است (آشوری و سپهری، پیشین، ۱۶). این ماده قانونی اعلام می‌کند، افسر پلیس قضایی باید به محض تحت نظر قرار گرفتن مظنون، او را از ماهیت جرمی که نسبت به آن تحقیق صورت می‌گیرد، مطلع کند (ساقیان، ۱۲، ۱۳۹۷). رویه دیوان عالی کشور فرانسه در آراء متعدد این است که عدم اطلاع‌رسانی یا تاخیر در اطلاع‌رسانی نسبت به حقوق شخص بازداشت شده را موجب ورود لطمه به حقوق و منافع فرد بازداشت‌شده تلقی کرده و بر مبنای منافع خصوصی و یا حتی منافع نظم عمومی در مواردی بطلان اقدامات را اعلام کرده است (Delage, 2006, 137). بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون

اروپایی حقوق بشر مقرر می‌دارد: « هر فرد بازداشتی باید در کوتاه‌ترین مهلت و به زبانی که آن را متوجه می‌شود، از علل دستگیری و اتهامات وارده بر خود مطلع شود.» این حق اساسی فرد مظنون، مورد تاکید دیوان اروپایی حقوق بشر نیز قرار گرفته است و علاوه بر سرعت در اطلاع‌رسانی یعنی در همان لحظه دستگیری یا حداکثر به محض اینکه امکان این کار فراهم شد، کامل بودن اطلاع‌رسانی را نیز مورد اشاره قرار داده است (آشوری و همکاران، ۳۰۸، ۱۳۹۴).

در نظام دادرسی کیفری ایالات متحده آمریکا، اصلاحیه‌های قانون اساسی این کشور، یکی از منابع مهم حقوق به ویژه در خصوص حقوق متهمان به‌شمار می‌رود. اصلاحیه‌های چهارم و ششم می‌تواند در خصوص حق بر آگاهی و اطلاع یافتن از حقوق قانونی و موضوع اتهام و ادله آن مورد نظر قرار بگیرد. اصلاحیه ششم قانون اساسی آمریکا اعلام می‌کند، در یک دادرسی عادلانه متهم باید از ماهیت اتهام و علت آن و حقوق قانونی که در اختیار دارد، مطلع شود (قاسمی مقدم، ۱۳۲، ۱۳۹۴).

حق اطلاع از موضوع اتهام و ادله آن، هیچ‌گونه استثنایی در نظام‌های حقوقی و مقررات دادرسی کیفری ندارد. هرچند در رویه قضایی و به ویژه جرایم امنیتی و تروریستی مانند جرایم تروریستی بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر آمریکا، در عمل می‌توان شاهد عدم تفهیم موضوع اتهام و ادله آن حداقل تا مدت زمان قابل ملاحظه از زمان دستگیری بود. همین‌طور، بر اساس مستندات قانونی، به نظر می‌رسد موضوع چگونگی تفهیم موضوع اتهام و ادله آن در حقوق فرانسه و آمریکا، کامل‌تر از حقوق ایران رعایت شده است. پیشنهاد می‌شود مقنن ایرانی با اختصاص ماده‌ای مستقل، امکان تحت نظر قراردادن مظنون را به جرایم خاص و مهم که به صورت مشهود ارتکاب می‌یابند، محدود کند. نحوه اطلاع از موضوع اتهام، ادله آن، محل تحت نظر قرار گرفتن و مدت و امکان تمدید آن نیز باید به‌طور صریح در قانون ایران پیش‌بینی شود.

۲-۱-۴- آگاهی از حقوق دفاعی

پیش‌شرط اصلی جهت تحقق حقوق دفاعی، اطلاع و آگاهی مظنون تحت نظر، از حقوق دفاعی خود می‌باشد. در حقیقت، اولین شرط برای دخالت موثر در فرایند کیفری و دفاع مناسب، امکان دریافت اطلاعات مناسب در مورد اقدامات و روند تعقیب و تحقیق است (Ruggeri, 2017, 39). مواد ۵ و ۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به تبعیت از اصل ۳۲ قانون اساسی، صراحتاً حق متهم را در این خصوص به رسمیت شناخته‌اند. بنابراین، اولین و اصلی‌ترین وظیفه ضابطان در برابر متهم با هدف برابری طرف‌های دعوای کیفری، لزوم تفهیم حقوق دفاعی و قانونی آنها می‌باشد، با توجه به امکانات دادستان و ضابطان در برابر متهم و همچنین احتمال ناآگاهی متهمان و یا پریشانی فکری در نتیجه بازداشت و عدم تمرکز کامل و صحیح، در صورت عدم آگاهی از حقوق قانونی، تعادل و برابری طرفین محقق نمی‌شود. ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در تکمیل حق بر آگاهی متهم مقرر می‌دارد: « متهم باید در اسرع وقت از موضوع

و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود. ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری نیز بر لزوم تفهیم حقوق دفاعی مظنون تحت نظر تاکید می‌کند. بنابراین ضابطان وظیفه دارند حقوق قانونی مظنون را کتبا به وی تفهیم کنند تا اینکه مظنون با دانستن حقوق دفاعی خود، بتواند شخصا یا با کمک گرفتن از وکیل مدافع، نسبت به تدارک دفاع و یا اعتراض به شرایط قانونی تحت نظر اقدام کند (آشوری، پیشین، ۲۵۳).

هرچند حقوق شخص تحت نظر در مواد ۴۴ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به تفصیل بیان شده، ولی همان‌طور که در نظام دادرسی کیفری فرانسه و آمریکا جریان دارد، بهتر بود قانونگذار با اختصاص ماده مستقلی به این موضوع، حقوقی که باید به شخص تحت نظر تفهیم شود و چگونگی تفهیم موضوع اتهام و ادله آن را به‌طور جداگانه بیان می‌کرد تا از برداشت‌های سلیقه‌ای جلوگیری شود. رویه عملی در مراجع پلیسی این است که با ارائه فرم چاپی و اخذ امضای مظنون در آن، مدعی آگاهی مظنون از حقوق دفاعی می‌شوند، در حالیکه این رویکرد قابل انتقاد است. قانونگذار از تفهیم حقوق مظنون سخن گفته است نه اعلام حقوق. بنابراین، لازم است با بیانی که درک آن برای مظنون میسر باشد، حقوق دفاعی و قانونی و موضوع اتهام و ادله آن که به بازداشت منتهی شده، به او تفهیم گردد.

نظام دادرسی کیفری فرانسه، تحت تاثیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در بند ۲ ماده ۵ و بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون و آرای دیوان اروپایی حقوق بشر، حق آگاهی متهم از حقوق دفاعی و موضوع اتهام را به نحو دقیق‌تری پیش‌بینی کرده است. در ماده ۱-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اعلام شده افسر پلیس قضایی باید به محض نظر قرار گرفتن مظنون، او را از ماهیت جرمی که نسبت به آن تحقیق صورت می‌گیرد، مطلع کرده و از حقوق قانونی شامل مقررات مربوط به مدت تحت نظر، اطلاع به نزدیکان، معاینه پزشک و حق بر داشتن وکیل آگاه سازد (ساقیان، پیشین، ۱۲).

در نظام دادرسی کیفری آمریکا، زمانی که شخصی بازداشت می‌گردد، با تحقق دو شرط سلب آزادی و قصد بازجویی از طرف پلیس، باید تفهیم حقوق متهم توسط پلیس صورت پذیرد، (Samaha, 2012, 275) اعلامیه میراندا رعایت شده و مفاد آن که به هشدار میراندا معروف است، توسط پلیس به وی اعلام شود. هشدار یا اعلامیه میراندا، در خصوص پرونده‌ای در دیوان عالی آمریکا مطرح شد^۱ که بر مبنای آن فردی در منزل خود در ایالت آریزونا به اتهام آدم‌ربایی و تجاوز دستگیر و به اداره پلیس برده می‌شود. پس از حدود دو ساعت بازجویی بدون حضور وکیل و اخذ اقرار در اداره پلیس و منتهی شدن موضوع به محکومیت در دادگاه بدوی و تجدید نظر، دیوان عالی کشور آمریکا در پی اعتراض به رای محکومیت اعلام می‌کند قبل از هرگونه پرسش و تحقیقی از شخص مظنون، او باید از از حقوق قانونی خود آگاه شود. به جهت عدم رعایت این موضوع در پرونده مورد بحث، حکم محکومیت نقض گردید. به همین سبب موضوع لزوم تفهیم و آگاه ساختن متهم از حقوق قانونی و موضوع اتهام و ادله آن، به نام اعلامیه یا هشدار میراندا

^۱ Miranda v. Arizona, 1966.

معروف شد (Hall, op.cit, 436). هشدار میراندا در واقع تایید اصلاحیه پنجم قانون اساسی آمریکا بوده و شامل اجزایی نظیر حق بر سکوت، حق بر مشورت کردن و دسترسی به وکیل است که باید در هر زمانی به صورت شفاف و بدون ابهام به متهم تفهیم شود (Rogers and others, 2006, 178). «پس از اصلاح رویه‌های بازجویی از متهمان به وسیله دیوان عالی آمریکا، کارت حقوق دفاعی متهم به شرح ذیل به رسمیت شناخته شده و به متهم تفهیم می‌شود:

- ۱- شما حق سکوت دارید و موظف به سخن گفتن نیستید.
- ۲- آنچه شما بگویید ممکن است علیه شما در یک دادگاه قانونی به آن استناد شود.
- ۳- شما حق دارید قبل از سخن گفتن با ما، با یک وکیل مشورت کنید. همچنین شما حق دارید در طول مدتی که با ما صحبت می‌کنید از حضور وکیل برخوردار باشید.
- ۴- در صورتیکه شما بضاعت اخذ وکیل نداشته باشید، برای شما مجاناً وکیلی انتخاب خواهد شد.
- ۵- آیا شما حقوقی را که برایتان توضیح دادم، درک می‌کنید؟ بلی یا خیر؟
- ۶- آیا اکنون حاضرید در ارتباط با موضوع اتهام خود سخن بگویید؟ بلی یا خیر؟
- ۷- آیا شما مایلید که یک نفر وکیل در طول مدتی که با شما صحبت می‌کنیم حضور داشته باشد؟ بلی یا خیر؟» (آشوری، پیشین، ۲۶۰).

اعلامیه حقوق میراندا در رویه پلیسی و قضایی ایالات متحده و آگاه‌سازی مظنون از حقوق قانونی، در همه موارد به صورت مطلق جریان ندارد و در صورت احراز دو شرط الزامی خواهد بود. شرط اول، مربوط به سلب آزادی از متهم است که طبق رویه دیوان عالی فدرال می‌تواند در اماکن سالب آزادی یا فضاهای اکراه‌آمیز دیگر حتی منزل یا محل کار فرد باشد. شرط دوم، وجود قصد بازجویی از سوی پلیس است. با جمع این دو شرط، باید اعلامیه میراندا به متهم تفهیم شود تا از حقوق قانونی خود نظیر حق سکوت، حق همراهی وکیل مدافع و... آگاه شود (Scheb, op.cit, 500). امکان چشم‌پوشی آگاهانه و داوطلبانه مظنون از حقوق میراندا مانند حق سکوت یا همراهی وکیل در رویه دیوان عالی آمریکا پذیرفته شده است (Ibid, 501).

از مطالعه نظام‌های دادرسی کیفری ایران، فرانسه و آمریکا مشخص می‌شود به دلیل طبیعت خاص نظام‌های دادرسی سیستم کامن‌لا که مبتنی بر سیستم اتهامی هستند، آگاه‌سازی و اطلاع حقوق متهمان در نظام دادرسی کیفری آمریکا به صورت گسترده‌تری نسبت به حقوق ایران جریان دارد.

۲-۴- حق بر استفاده از معاضدت وکیل

حق بر استفاده از معاضدت وکیل که به موجب اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تمام مراحل دادرسی به رسمیت شناخته شده، در مرحله تحت نظر که امکان تضييع حقوق مظنون به ارتکاب جرم در نتیجه ناآگاهی از مقررات وجود دارد، بیش از هر مرحله‌ای احساس می‌شود. این حق در اسناد

بین‌المللی از جمله بند یک ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند «د» ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز شناسایی شده است. نحوه دسترسی به وکیل و حوزه فعالیت و نحوه حضور وکیل در این مرحله، مهم و تاثیرگذار بوده است.

۱-۲-۴- انتخاب آزادانه وکیل

در سیستم دادرسی کیفری ایران، دادستان به منظور احقاق حقوق جامعه و تعقیب متهم، از تمامی امکانات عمومی برخوردار است (خزانی، ۱۳۹۹، ۱۳۷۷). امروزه در تمامی سیستم‌های دادرسی و در مرحله پیش‌دادرسی، حضور وکیل به عنوان معیار مهم تحول در این مرحله از زمان دستگیری و تحت نظر قرار گرفتن مظنون به ارتکاب جرم، پذیرفته شده است (سپهری، پیشین، ۸۲). در حقیقت، حضور وکیل به ویژه برای مظنون که در بازداشت پلیسی به سر می‌برد، یک حمایت روحی مهم است. این حمایت زمانی تاثیرگذار است که وکیل، مورد اعتماد موکل بوده و آزادانه توسط او انتخاب شود (خالقی: ۱۳۰، ۱۳۹۷). حضور وکیل در مرحله تحت نظر، از گذشته محل تردید و اختلاف نظرهایی بوده، تا جایی که ضابطان به‌طور معمول مخالف حضور وکیل در تحقیقات پلیسی بوده و از دیدگاه پلیس، حضور وکیل در این مرحله سبب اختلال در فرایند کشف جرم خواهد شد. این در حالی است که موافقان حضور وکیل، ضمن حمل معنای محرمانه بودن بر الزام وکیل و دیگر افرادی که در تحقیقات حضور دارند به عدم انتشار و افشاء اطلاعات تحصیلی (خالقی، ۱۷۱، ۱۳۹۴)، حضور وکیل در فرایند تحقیقات پلیسی را سبب تحت کنترل قرار گرفتن اقدامات ضابطان و جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی و نقض حقوق مظنون می‌دانند. در هر حال، ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در یک رویکرد نوآورانه، حضور وکیل و ملاقات مظنون با وی را از ابتدای تحت نظر قرار گرفتن، از حقوق قانونی مظنون محسوب کرده است که باید توسط ضابطان رعایت شود. براساس ماده مذکور، به محض این که فرد تحت نظر قرار گرفت، می‌تواند تقاضای حضور وکیل داشته باشد و اصل حق استفاده از معاضدت وکیل در همه جرایم به رسمیت شناخته شده است.

هرچند پذیرش حضور وکیل در مرحله تحت نظر، یک نوآوری محسوب می‌شود، اما قانونگذار ایران راهکاری در جهت حضور وکیل معاضدتی یا تسخیری در این مرحله ندارد و ممکن است در عمل امکان حضور وکیل در این مرحله، صرفاً روی کاغذ باقی مانده و در عمل امکان‌پذیر نگردد. با اینکه ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ از حق ملاقات مظنون به ارتکاب جرم با وکیل یاد کرده است، اما لزوم تفهیم و اعلام این حق توسط ضابطان به مظنون را اعلام نکرده است. بنابراین شاید این برداشت قوت بگیرد که ضابطان وظیفه‌ای بر اعلام این حق به مظنون ندارند. در رد این احتمال، بر اساس ماده ۵ قانون که صراحتاً حق متهم به آگاهی از امکان استفاده از وکیل را مورد اشاره قرار داده و ماده ۵۲ که اعلام داشته «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلف‌اند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به‌صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و

ضمیمه پرونده کنند» (ساقیان، ۱۱۹، ۱۳۹۳)، به نظر می‌رسد ضابطان وظیفه دارند این حق را در ابتدای تحت‌نظر قرار دادن مظنون همانند سایر حقوق، به وی تفهیم کنند.

ماده مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، صراحتاً بر ضرورت توافقی بودن تمام مراحل دادرسی کیفری تأکید کرده است. در حقوق فرانسه هرچند مدل سنتی بازداشت پلیسی با دخالت وکیل مدافع خیلی موافق نبود، (Verges, 2010, 10) ابتدا در سال ۱۹۹۳ حضور وکیل شخص تحت نظر را در قالب یک ملاقات ساده و از بیستین ساعت تحت‌نظر پذیرفته بود. با اصلاحات سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۱ حضور وکیل تبدیل به حضور و مشارکت فعال در این مرحله و از ابتدای تحت نظر قرار گرفتن مظنون گردید (ساقیان، ۱۰۴، ۱۳۹۳). برخلاف حقوق ایران که راهکاری در خصوص حضور وکیل معاضدتی یا تسخیری ندارد، در فرانسه اگر شخص تحت نظر نتواند شخصا وکیل خود را معرفی کند، حق دارد از طریق کانون وکلای محل، درخواست حضور وکیل داشته باشد (همان، ۱۰۵). این موضوع در انطباق با بند ۶ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار دارد (آشوری و سپهری، پیشین، ۲۱). در فرانسه، وکیل می‌تواند با شخص تحت نظر به مدت ۳۰ دقیقه ملاقات کند و در صورت تمدید مدت تحت نظر، یک جلسه ملاقات ۳۰ دقیقه‌ای دیگر می‌تواند بین وکیل و شخص تحت بازداشت پلیسی صورت پذیرد (Stefani and others, op.cit, 446).

در نظام دادرسی کیفری آمریکا که مبتنی بر سیستم دادرسی اتهامی است، متهم از زمانی که در بازداشت پلیس قرار می‌گیرد، حق برخورداری از همراهی وکیل مدافع را در تمام اتهاماتی که منجر به حبس شود، خواهد داشت. (Hall, op.cit, 533) اصلاحیه ششم قانون اساسی آمریکا، حق مشاوره در طی فرایند دادرسی و پیش‌دادرسی را برای متهم به رسمیت شناخته و اعلام می‌کند که در هر تعقیبی، متهم حق استفاده از مشورت وکیل برای دفاع از خود را در تمام جرایم دارا خواهد بود (Scheb, op.cit, 515) و در صورت ناتوانی مالی متهم، حضور وکیل تسخیری بدون محدودیت برای متهم پیش‌بینی شده است (نیوبور، پیشین، ۲۷۹). بنابراین در تمام رسیدگی‌های کیفری، متهم باید از حق دریافت مساعدت حقوقی برای دفاع از خود بهره‌مند شود. به‌طور طبیعی، مرحله بازداشت پلیسی نیز بخشی از مراحل رسیدگی محسوب می‌شود که مستلزم دسترسی به وکیل است. پلیس باید در راستای اعلامیه میراندا، متهم را از این حق قانونی خود مطلع ساخته و تمهیدات لازم را در جهت اطلاع وکیل از تحقیقات انجام شده، معمول دارد (Blackstock, 2014, 34). البته قبل از پرونده میراندا، در پرونده ماسیا علیه ایالات متحده نیز حق داشتن وکیل مورد تأکید قرار گرفته بود.^۱

۲-۲-۴- حق دسترسی وکیل به پرونده تحقیقات

^۱ Massiah v. United States, 377 u.s.201 (1964)

یکی از چالش‌های مهم در ارتباط با نحوه حضور و مداخله وکیل مظنون در مرحله تحت نظر است. آیا وکیل صرفاً حضوری منفعل و تماشاگر اتفاقات خواهد داشت یا خیر؟ آیا حضور وکیل در جریان تحقیق و بازجویی از مظنون امکان‌پذیر است؟ آیا وکیل حق دسترسی به پرونده و ملاحظه تحقیقات و ادله تحصیلی را دارد؟

در نظام دادرسی کیفری ایران، ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، صرفاً حق ملاقات ساده شخص تحت‌نظر با وکیل پیش‌بینی شده است. در این ماده حقوقی از قبیل مطالعه پرونده، امکان مداخله در بازجویی‌ها و یا ارائه تذکر به جهت عدم طرح سوالات تلقینی و یا خلاف قانون در جلسه بازجویی توسط ضابطان مورد توجه قرار نگرفته است (ساقیان: ۱۸۳، ۱۳۹۷). وکیل تنها می‌تواند بعد از پایان یک ملاقات حداکثر یک ساعته با مظنون، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده اعلام کند. همین‌طور در قانون ایران پیش‌بینی برای به تاخیر انداختن شروع تحقیق از مظنون تا حضور وکیل نشده است (موزن‌زادگان و همکاران، پیشین، ۵۲). بنابراین فرض پذیرش وکیل، بدون دسترسی به محتویات پرونده و تاخیر تحقیق تا حضور او، جنبه کاملاً صوری و تشریفاتی دارد (اردبیلی، پیشین، ۲۲۰) و با فلسفه حضور وکیل مغایرت خواهد داشت.

در اصلاحات سال ۲۰۱۱، قانونگذار فرانسوی با پیش‌بینی مهلتی دو ساعته برای حضور وکیل مدافع، پلیس قضایی را مکلف کرده تا پایان این مهلت از شروع تحقیق و بازجویی خودداری کند، مگر اینکه این موضوع مورد درخواست شخص تحت نظر باشد. این موضوع در جرایم تروریستی به‌خاطر تاخیر در حضور وکیل متهم و موارد ضروری به تشخیص دادستان وفق ماده ۲-۴-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه می‌تواند نادیده گرفته شود (ساقیان، ۱۰۸، ۱۳۹۳). همین‌طور مستنداً به قانون اول ژوئن ۲۰۱۱، وکیل حق دسترسی به صورت‌جلسات و مذاکرات مربوطه و یادداشت‌برداری را طبق بند یک ماده ۲-۴-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه خواهد داشت و پس از پایان هر تحقیق، وکیل می‌تواند سوالاتی مطرح کند که برای روشن شدن حقیقت و یا دفاع از متهم ضروری می‌داند (آشوری، پیشین، ۲۶۸).

در نظام دادرسی کیفری آمریکا و بر مبنای اعلامیه میراندا، پلیس ضمن اعلام حق درخواست وکیل، به متهم گوشزد می‌کند تا زمان حضور وکیل می‌تواند از پاسخ به هرگونه سوال خودداری کند. همچنین وکیل در این نظام دادرسی حق مداخله فعال و دسترسی به پرونده و تحقیقات و ارائه دفاعیات لازم را متهم از خواهد داشت (Parker, 1996, 1173).

از مقایسه آنچه در نظام دادرسی کیفری فرانسه و آمریکا جریان دارد و تطبیق با نحوه حضور وکیل در مرحله تحت نظر در ایران و ملاحظه رویه عملی موجود، تفاوت مداخله وکیل در این مرحله مشخص می‌شود. حسب ظاهر قانون و رویه پلیسی، وکیل شخص تحت نظر در صورت امکان و دسترسی مظنون به وی، تنها حق مشاوره یک ساعته با مظنون را داشته و از دسترسی به پرونده تحقیقات محروم است. اما با توجه به اصل تناظر و آنچه در ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری آمده، می‌توان به نقش فعال وکیل و

لزوم دسترسی به اوراق پرونده رسید. همین‌طور در ماده ۶۱ قانون نیز مقرر شده است که تمام اقدامات ضابطان باید موافق مقررات مرحله تحقیقات مقدماتی باشد. به دلیل حضور فعال وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی وفق ماده ۱۹۰ و تبصره ماده ۱۹۵ قانون و دسترسی به پرونده جهت مطالعه طبق ماده ۱۹۱ قانون، وکیل شخص تحت نظر در این مرحله نیز دارای این توانمندی‌ها خواهد بود (ساقیان، پیشین، ۱۱۴). «بدین ترتیب باید پس از پایان هر بازجویی که وکیل در آن شرکت داشته، سوالاتی که برای روشن شدن حقیقت و یا دفاع از شخص تحت نظر لازم است را مطرح کند. افزون بر این، وکیل باید حق تقدم لایحه‌ای که متضمن مطالبی برای کشف حقیقت و دفاع از موکل خود و یا اجرای قوانین است را داشته باشد. همچنین این لایحه می‌تواند دربردارنده پرسش‌های حقوقی و قضایی باشد که از سوی ضابطان با طرح آنها مخالفت شده است. از سوی دیگر، باید حق دسترسی به پرونده برای وکیل شخص تحت نظر به رسمیت شناخته شود و امکان مطالعه و یا یادداشت‌برداری او از پرونده در طول مدت یک ساعت فراهم گردد. به ویژه آن که در جرایم مهم و سازمان‌یافته که مدت تحت نظر طولانی بوده و بنابراین نیاز به تنظیم صورت‌جلسات متعدد می‌باشد، ضرورت اجرای این اصل کاملاً احساس می‌شود. از این رو، این صورت‌جلسات باید به موجب اصل ترافعی در دسترس وکیل شخص تحت نظر قرار گیرد و نقض این حق به ویژه در چنین جرایمی که شخص تحت نظر در مدت زمان زیادی در اختیار ضابطان قرار دارد، موجب نقض اصل ترافعی می‌گردد» (ساقیان، ۱۸۴، ۱۳۹۳).

۳-۲-۴- محرمانه بودن رابطه وکیل و موکل

رابطه وکیل و موکل، یک رابطه خصوصی و محرمانه و مبتنی بر اعتماد است. این ویژگی به ویژه در ملاقات‌های وکیل با موکل در حالیکه در نهاد پلیسی و در وضعیت تحت نظر یا بازداشت بودن موکل انجام می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد. رعایت حریم خصوصی افراد که در اسناد بین‌المللی و ملی مورد تأکید قرار گرفته، مبنای این موضوع است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قیدی در خصوص رعایت و تضمین محرمانه بودن ملاقات وکیل با مظنون ندارد. در بند ۴ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی اعلام شده «با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلا در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً رعایت گردد.» می‌توان رعایت اخلاق و موازین اسلامی را در حفظ حریم خصوصی و محرمانه بودن ارتباط وکیل و موکل نیز مدنظر قرار داد. اصول اساسی راجع به نقش وکلا در بند ۸ در بخش تضمینات ویژه در موضوعات کیفری، در این خصوص مقرر داشته است: «افراد دستگیر، بازداشت یا زندانی شده از فرصت و تسهیلات کافی برای ملاقات و ارتباط و مشورت با وکیل بدون تاخیر، دخالت و سانسور و با قید کامل محرمانه بودن برخوردار خواهند بود. این مشورت در معرض دید ولی در فاصله‌ای که حرف‌ها توسط ضابطان شنیده نشود، صورت خواهد گرفت» (عارفی و امید، ۱۷۵، ۱۳۹۸).

در حقوق فرانسه، وکیل شخص تحت نظر می‌تواند در ابتدای تحت نظر به صورت خصوصی با موکل خود ملاقات کرده و از علت اتهام آگاه شود. ضابطان با توجه به محرمانه بودن این ملاقات، حق حضور و دخالت نداشته و در عمل باید محل مناسبی به منظور ملاقات خصوصی پیش‌بینی کنند (ساقیان: ۱۲۰، ۱۳۹۳). ماده ۳-۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ملاقات سی دقیقه‌ای وکیل با مظنون را در شرایطی که محرمانه بودن آن تضمین شود، اعلام کرده است.

در نظام دادرسی کیفری آمریکا، به موجب اصلاحیه ششم قانون اساسی، حق برخورداری از معاضدت وکیل به عنوان یکی از حقوق اساسی پیش‌بینی شده و خصوصی بودن و محرمانه بودن این امر نیز در رویه قضایی و قوانین آن کشور مورد تایید قرار گرفته است (Parker, op.cit, 1175). رویکرد افتراقی قانونگذار آمریکایی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر سبب شد تا نظام‌نامه‌های صادره از سوی وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا برای نحوه دادرسی در کمیسیون‌های نظامی اعلام کند که در جرایم تروریستی، وکیل نظامی باید بپذیرد که ارتباطات او با موکلش تحت نظارت قرار بگیرد. این موافقت وکیل یکی از شرایط ضروری تایید صلاحیت وی برای دخالت در جرایم تروریستی است. از بین رفتن این ارتباط محرمانه، می‌تواند تاثیر منفی در حق دفاع متهم داشته باشد (توجهی و کوره‌پز: ۹۲، ۱۳۹۸). همچنین دادستان کل ایالات متحده آمریکا در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۱ آیین‌نامه‌ای وضع کرد که به موجب آن به رؤسای زندان‌ها اجازه داده شد رابطه وکیل و موکل را مورد بازرسی قرار دهند. این امر با مصونیت ارتباط وکیل با موکل و اصلاحیه ششم قانون اساسی آمریکا مغایرت دارد (همان، ۹۳).

۴-۲-۴- محدودیت انتخاب و مداخله وکیل در راستای افتراقی شدن تحت نظر

ظهور گونه‌های جدید جرایم به ویژه جرایم خشونت‌بار و تروریستی و همین‌طور رشد فزاینده جرایم

سازمان‌یافته و کافی نبودن تدابیر دادرسی عمومی در برابر این جرایم، سیاست‌گذاران کیفری کشورهای مختلف را بر آن داشته تا سیاست کیفری افتراقی را در مواجهه با این گونه جرایم اتخاذ کنند. تدابیر حقوق کیفری شکلی و قوانین آیین دادرسی کیفری، یکی از اولین و مهم‌ترین موضوعی بوده که مدنظر رویکردهای افتراقی قرار گرفته و در جدال امنیت با حقوق و آزادی‌های افراد، اغلب به نفع امنیت، حقوق و آزادی‌های مظنون و متهم و به‌طور طبیعی تحقق اصل تناظر دفاعی را با محدودیت‌هایی مواجه ساخته است.

قانونگذار ایران در تدوین ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، با توجه به الزامات حضور وکیل و مدنظر قرار دادن رویکرد افتراقی در جرایم خاص، در تبصره این ماده پیش‌بینی کرده بود در اتهامات مربوط به جرایم سازمان‌یافته، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرعت، مواد مخدر یا روان‌گردان و نیز جرایم موضوع بندهای «الف»، «ب» و «پ» ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، چنانچه متهم تحت نظر قرار گیرد، حق ملاقات با وکیل تا یک هفته به تاخیر می‌افتد (آشوری، پیشین، ۲۵۳). بدین ترتیب،

با یک سیاست کیفری افتراقی، امکان برخورداری همه افراد مظنون از وکیل انتخابی از همان آغاز تحت نظر میسر می‌گشت. اما قانونگذار قبل از اجرای قانون، در اصلاحات ۱۳۹۴/۳/۲۵ با تغییر تبصره ماده ۴۸، محدودیت بلاوجهی را در آزادی انتخاب وکیل تحمیل کرد و صرفاً حضور وکلایی که مورد تایید رئیس قوه قضاییه باشند را در تحقیقات مقدماتی این جرایم مجاز دانست. این در حالی است که در بخش عمده جرایم موضوع این تبصره، یعنی جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که حاکمیت با تمام امکانات وارد پرونده می‌شود، بیش از هر زمان دیگری نیاز به حضور و همراهی یک وکیل مستقل برای دفاع از متهم ضرورت دارد (خالقی، ۱۳۹۹، ۱۳۹۷). این رویکرد قانونگذار، یعنی عدم برخورداری از وکلای مستقل و تحدید آزادی متهم در انتخاب وکیل، در دادگاه ویژه روحانیت به موجب تبصره ۱ ماده واحده قانون انتخاب وکیل مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام و دادگاه‌های نظامی تحت شرایط ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری دارای رویه مشابهی است.

در حقوق فرانسه، تا قبل از اصلاحات قانون ۲۰۱۱ در بحث تحت نظر، حق همراهی وکیل از اولین جلسات استماع برای شخص مظنون وجود داشت. در اصلاحات اخیر، حق مذکور با استثنائاتی مواجه شده است. ماده ۳-۱-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در تایید قاعده کلی یعنی حق همراهی وکیل مقرر می‌دارد که از ابتدای نگهداری تحت نظر، این شخص می‌تواند همراهی یک وکیل را درخواست کند. در حقوق فرانسه بعد از تعیین میزان اختیارات وکیل در این مرحله در ماده ۲-۴-۶۳ که از ابداعات قانون ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ است، شرایط استثنایی را قانونگذار پیش‌بینی کرده است (سپهری، پیشین، ۸۴).

شخص تحت نظر بر اساس مقررات فعلی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه می‌تواند درخواست کند که در جلسات استماع یک نفر وکیل او را همراهی کند. در این حالت اولین جلسه استماع قبل از گذشت مدت ۲ ساعت از زمان اعلام حق همراهی وکیل، بدون حضور وکیل انتخابی یا تعیین شده از سوی قانون وکلا، نمی‌تواند شروع گردد. پس از گذشت ۲ ساعت، افسر پلیس قضایی می‌تواند جلسه بازجویی را بدون حضور وکیل شروع کند. در صورتی حضور وکیل در اثنای جلسه بازجویی، به درخواست شخص تحت نظر جلسه متوقف شده و وکیل می‌تواند بر اساس تشریفات قانونی، اسناد و مدارک موجود در پرونده را مطالعه کند. در صورت عدم درخواست مظنون تحت بازداشت، وکیل در جلسه بازجویی که در جریان است شرکت می‌کند. این حق در صورتی که ضرورت‌های تحقیق ایجاب کند، با استثنا مواجه می‌شود. دادستان شهرستان می‌تواند در مواردی که برگزاری فوری جلسه بازجویی بر حسب ضرورت‌های تحقیق لازم باشد، با یک دستور کتبی و موجه و بر اساس درخواست افسر پلیس قضایی، مجوز برگزاری جلسه بازجویی را بدون رعایت مدت ۲ ساعت جهت حضور وکیل آغاز کند (Rousseau, op.cit, 141).

در خصوص تعویق حضور وکیل در جلسات استماع و مواجهه، بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه هنگامی که شخص به اتهام ارتکاب یک جنایت یا جنحه با مجازات حبس پنج سال یا بیشتر در بازداشت پلیسی باشد، بر اساس درخواست دادستان، حضور وکیل می‌تواند تا ۱۲ ساعت به تعویق افتد. برای

تعویق بیش از ۱۲ ساعت تا ۲۴ ساعت به تقاضای دادستان و مجوز قاضی آزادی‌ها و بازداشت نیاز است. در هر دو حالت، این تصمیم باید کتبی و موجه و مستند به شرایط مصرح در قانون و متناسب با شرایط ناشی از جرم باشد (سپهری، پیشین، ۸۶).

بررسی سیاست کیفری قانونگذار فرانسوی در رویکرد افتراقی، استثناء دیگری را در خصوص حضور و مداخله وکیل در مرحله تحت نظر نشان می‌دهد. بر اساس ماده ۸۸-۷۰۶ که به آیین دادرسی قابل اجرا برای جرایم بانندی و سازمان‌یافته اختصاص دارد، در مورد شخصی که به اتهام ارتکاب جرایم بانندی و سازمان‌یافته مورد اشاره در ماده ۷۰۶-۷۳ تحت نظر قرار گرفته، حضور و مداخله وکیل بر اساس شرایط خاص مربوط به جمع‌آوری ادله و یا به دلیل پیشگیری از تعرض به اشخاص، برای حداکثر ۴۸ ساعت و اگر جرم وی مربوط به جرایم بندهای ۳ تا ۱۱ ماده مذکور یعنی جنایات و جنحه‌های قاچاق مواد مخدر و اعمال تروریستی باشد، برای مدت ۷۲ ساعت به تعویق خواهد افتاد. این موضوع با حضور نزد قاضی آزادی‌ها و بازداشت و تمدید مدت توسط این مقام امکان‌پذیر خواهد بود (Rousseau, op.cit, 142). با این وجود، دیوان عالی کشور فرانسه در تصمیم ۱۹ اکتبر ۲۰۱۱، محروم کردن شخص تحت نظر از ملاقات با وکیل در ابتدای تحت نظر را چنانچه تنها مبتنی بر ماهیت جرم ارتكابی بوده و ضرورت آن بنابر یک دلیل موجه اثبات نشده باشد را مخالف اصول دادرسی منصفانه می‌داند.^۱

پس از حملات ۱۱ سپتامبر در آمریکا، رویکرد افتراقی دایر بر جنگ با تروریسم، سبب رویکرد افتراقی به دادرسی کیفری نسبت به جرایم تروریستی گردید. یکی از جلوه‌های این رویکرد افتراقی، محدودیت دسترسی و انتخاب وکیل است. امریه‌های نظامی صادره در این خصوص، حق دارا بودن وکیل را تنها به افرادی که اتهام مشخصی دارند، واگذاری می‌کند. وکلایی که در این پرونده‌ها وارد می‌شوند، باید شرایط خاصی از جمله اخذ مجوز امنیتی را دارا باشند (توجهی و کوره‌پز، پیشین، ۹۸). تصمیم به اخذ مجوز امنیتی برای وکلا، نخستین بار در پرونده ایالات متحده آمریکا علیه بن‌لادن در سال ۱۹۹۹ مطرح شد، که البته این موضوع با اصلاحیه ششم قانون اساسی آمریکا مغایرت دارد (Sottiaux, 2008, 385)، اما در پرتو تحولات افتراقی شدن دادرسی جرایم تروریستی و تحت تاثیر قانون میهن‌پرستی آمریکا و مصوبات کمیسیون‌های نظامی، به نظام دادرسی کیفری افتراقی جرایم تروریستی راه یافت و از این حیث، اصل تناظر را در این خصوص نقض کرده است.

نتیجه‌گیری

۱- سیاست جنایی افتراقی دولت‌ها در حوزه‌های خاص، سبب شکل‌گیری آیین دادرسی کیفری افتراقی گردیده است. مقررات مربوط به ایجاد محاکم اختصاصی نظیر دادگاه‌های انقلاب اسلامی، دادگاه‌های ویژه روحانیت و دادگاه‌های ویژه جرایم اقتصادی کلان در ایران، دادگاه‌های جنایی در جرایم تروریستی فرانسه

^۱ Cass.Crim. 2010.

و دادگاه‌های ویژه و کمیسیون‌های نظامی در ایالات متحده آمریکا، ناشی از رویکرد افتراقی این کشورها در حوزه‌های خاص می‌باشد. این دادگاه‌ها بدون تردید آیین دادرسی خاص و افتراقی در مراحل کشف جرم و تحقیقات مقدماتی را به همراه خواهند داشت. در رویکرد افتراقی، معمولاً حقوق دفاعی مانند حق مداخله و کیل، حق دسترسی به پرونده و... با محدودیت مواجه می‌شود. به نظر می‌رسد قانونگذار ایران مانند قانونگذار فرانسوی و به منظور تامین حق بر امنیت و حق بر آزادی و توازن بین اینها، باید در جرایم امنیتی، خسونت‌بار و تروریستی ضمن تعریف دقیق این جرایم، به صورت نظام‌مند و با تایید یک قاضی مستقل از دادسرا دسترسی به برخی حقوق را در مدت محدود و مشخص به تعویق اندازد تا شاهد چالش‌های برخورد سلیقه‌ای و بخشنامه‌ای نباشیم.

۲- مرحله تحت نظر در حقوق ایران و فرانسه یا بازداشت پلیسی در حقوق آمریکا، به عنوان یکی از مراحل مهم فرایند کیفری که برای اولین بار مظنون به ارتکاب جرم را با دستگاه عدالت کیفری مواجه می‌سازد، اهمیت زیادی دارد. ایجاد نهادهای نظارتی و مقررات شفاف و بدون ابهام، از نقض حقوق مظنونان در این مرحله جلوگیری خواهد کرد. حقوق فرانسه در مرحله تحت نظر از لحاظ مدت، شرایط و آثار آن در جرایم عادی و جرایم خسونت‌بار، امنیتی و تروریستی قائل به تفکیک شده و با پیش‌بینی یک دادرسی کیفری افتراقی، مقررات مختلفی در این خصوص پیش‌بینی کرده است و شرایط مطلوب‌تری دارد. در حقوق ایران، فقدان دادرسی کیفری افتراقی در مرحله تحت نظر خودنمایی می‌کند و جا دارد در شرایط و مدت تحت نظر تدابیری در این خصوص اندیشیده شود تا شاهد برخورد یکسان قانونی با جرایم مهم و جرایم کم اهمیت نباشیم. استفاده از عنوان مظنون بجای متهم در این مرحله توسط قانونگذار ایران ضرورت دارد. بازداشت پلیسی در آمریکا، اگر مفاد قانون میهن‌پرستی در جرایم امنیتی و تروریستی را کنار بگذاریم، با توجه به سیستم ایالتی و فدرال آن، شرایط مناسبی را تجربه می‌کند.

۳- یکی از رویکردهای افتراقی شدن در مرحله تحت نظر، پیش‌بینی ضابطان خاص در مرحله کشف جرم است. این موضوع با اقدامات سخت‌گیرانه و محدودیت یا نقض برخی از حقوق دفاعی مظنون همراه خواهد شد که هرچند در قانون مورد اشاره قرار نگرفته، اما در عمل بر مظنون تحمیل می‌شود و یکی از چالش‌های نظام دادرسی کیفری ایران است.

۴- پیش‌بینی مدت‌های خاص در تحت نظر از طریق تمدید مدت اولیه در خصوص جرایم تروریستی، امنیتی و خسونت‌بار در حقوق فرانسه، هرچند سبب تحدید حقوق مظنون شده است، اما نظم خاص حاکم بر آن و اختصاص شیوه خاص افتراقی به آن از طریق دخالت قاضی آزادی‌ها و بازداشت، تا حد امکان از نقض حقوق مظنونان این جرایم جلوگیری می‌کند. در مقابل، در نظام دادرسی کیفری افتراقی امریکایی در جرایم تروریستی، بازداشت پلیسی نامحدود و بدون پیش‌بینی امکان حضور نزد مقام قضایی به وضوح ناقض حقوق مظنونان جرایم تروریستی یا مرتبط با آنها است. در حقوق ایران، پیش‌بینی مدت ۲۴ ساعت

به طور عام برای تمام جرایم و عدم پیش‌بینی رویکرد افتراقی در این خصوص، از نقاط ضعف قانون محسوب شده و نیازمند بازنگری است.

۵- حق بر آگاهی و اطلاع از موضوع اتهام و حقوق دفاعی، به عنوان مقدمه و زیربنای حقوق دفاعی مظنون، ناظر بر اطلاع و آگاهی مظنون از حقوق دفاعی خود و موضوع اتهام و دلایل آن می‌باشد. در رویه قضایی آمریکا با توجه به آنچه هشدار یا اعلامیه میراندا خوانده می‌شود، به نظر می‌رسد این حقوق به شکل مناسب‌تری نسبت به حقوق ایران به رسمیت شناخته شده است. در نظام حقوقی فرانسه نیز با الهام از مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و امکان شکایت افراد به دیوان اروپایی حقوق بشر، شرایط قانونی و رویه‌ای برای رعایت این حق در مرحله تحت نظر فراهم گردیده است. در نظام دادرسی کیفری ایران، هرچند نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در این خصوص حایز اهمیت بوده و حرکتی رو به جلو محسوب می‌شود، اما به نظر می‌رسد زیرساخت‌های کافی از نظر نیروی انسانی و تخصص و تجربه کافی با توجه به وظایف دوگانه نیروی انتظامی و فقدان پلیس قضایی تخصصی، وجود ندارد و اجرای این مهم را با چالش مواجه ساخته است. تاسیس پلیس قضایی متخصص از ضروریات نظام دادرسی کیفری ایران می‌باشد.

۶- حق بر استفاده از معاضدت وکیل در مرحله تحت نظر در هر سه نظام دادرسی کیفری ایران، فرانسه و آمریکا به رسمیت شناخته شده است. در نظام دادرسی کیفری فرانسه با توجه به رویکرد افتراقی قانونگذار فرانسوی، می‌توان ملاقات با وکیل را برای مظنون جرایم خشونت‌بار، امنیتی و تروریستی به تاخیر انداخت. در حقوق ایران که از فقدان دادرسی کیفری افتراقی در مرحله تحت نظر و تحقیقات مقدماتی رنج می‌برد، محدودیت بلاوجه تبصره ماده ۴۸ در گروه وسیعی از جرایم، حق انتخاب آزادانه وکیل را تحت تاثیر قرار داده است. حق انتخاب آزادانه وکیل و تضمین دسترسی وکیل به پرونده و حضور موثر او در جریان تحقیق و همچنین رابطه محرمانه او با موکل به عنوان یکی از چالش‌های نظام دادرسی کیفری ایران باید در قانون آیین دادرسی کیفری و به صورت نظام‌مند و ضابطه‌مند به رسمیت شناخته شود.

۷- نحوه حضور و مداخله وکیل در مرحله تحت نظر در ایران مبهم است، حال آنکه امکان حضور فعال با حق دسترسی به اوراق و محتویات پرونده در فرانسه و آمریکا وجود دارد. زیرساخت‌های لازم برای حضور وکیل یا مشاور از ابتدای تحت نظر قرار گرفتن مظنون در ایران پیش‌بینی نشده است، در حالیکه امکان تماس با کانون وکلای محل و تعیین وکیل تسخیری در آمریکا و فرانسه پیش‌بینی شده است. پیشنهاد کاربردی در این حوزه استفاده از وکلا و یا فارغ‌التحصیلان حقوق با طی دوره‌های خاص آموزشی به صورت حضور ثابت در کلانتری‌ها و مراکز پلیسی جهت ملاقات و مشاوره به افراد تحت نظر می‌باشد. همچنین لازم است جهت خارج کردن حضور وکیل از یک حالت صوری و تشریفاتی در مواردی که مظنون حق درخواست ملاقات با وکیل را مطرح می‌کند، بازجویی از او تا حضور وکیل به تاخیر افتد.

فهرست منابع

- ۱- آشوری، محمد، «آیین دادرسی کیفری»، جلد اول، انتشارات سمت ویراست پنجم، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۵.
- ۲- آشوری، محمد و روح الله سپهری، «بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۶، ۱۳۹۲.
- ۳- آشوری، محمد، حسین بشیریه، سید محمد هاشمی و عبدالمجید یزدی، «حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت»، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- ۴- اردبیلی، محمد، «نگهداری تحت نظر»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۵- انصاری، ولی الله، «حقوق تحقیقات جنایی»، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- ۶- پاک نیت، مصطفی، «افتراقی شدن دادرسی کیفری»، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶.
- ۷- پرادل، ژان، «درآمدی بر آیین دادرسی کیفری تطبیقی»، ترجمه محمدمهدی ساقیان، در دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله های تازه علوم جنایی)، کتاب دوم، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
- ۸- توجهی، عبدالهی و حسین محمد کوره پز، «گونه شناسی محدودیت‌های حق دسترسی به وکیل در جرایم امنیتی با تاکید بر مرحله پیش دادرسی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۸.
- ۹- جوانمرد، بهروز، «جرایم سازمان یافته فراملی»، جلد دوم، آیین دادرسی کیفری افتراقی تطبیقی، انتشارات جنگل، ۱۳۹۶.
- ۱۰- خالقی، علی، «آیین دادرسی کیفری»، جلد اول، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۹۴.
- ۱۱- خالقی، علی، «نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری»، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ چهارم، ۱۳۹۴.
- ۱۲- خالقی، علی، «حق بر انتخاب وکیل»، دایره المعارف علوم جنایی، علوم جنایی حقوقی، کتاب سوم، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۷.
- ۱۳- خالقی، علی، «استاد محرمانه به عنوان دلیل اتهام»، در افق‌های نوین حقوق کیفری، (نکوداشت‌نامه استاد دکتر حسین آقایی‌نیا)، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۸.
- ۱۴- خزانی، منوچهر، «فرایند کیفری - مجموعه مقالات»، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۱۵- دبیرزاده، الهه، «مدل سازی در دادرسی‌های کیفری بر مبنای قدرت و آزادی»، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۸.
- ۱۶- دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه»، جلد چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ۱۳۷۲.
- ۱۷- رحمدل، منصور، «آیین دادرسی کیفری»، جلد سوم، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۴.

- ۱۸- ساقیان، محمدمهدی، «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۶، بهار ۱۳۹۳.
- ۱۹- ساقیان، محمدمهدی، «تحولات حق متهم بر داشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق ایران و فرانسه»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۱، ۱۳۹۳.
- ۲۰- ساقیان، محمدمهدی، «رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به اصل توافقی بودن در مرحله پیش‌دادرسی»، در دایره‌المعارف علوم جنایی، علوم جنایی حقوقی، کتاب سوم، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۷.
- ۲۱- سپهری، روح‌الله، «آیین دادرسی کیفری، (مطالعه تطبیقی استثنائات در حقوق ایران و فرانسه)»، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- ۲۲- شیدائیان، زینب، «مولفه‌های مطلوب روابط دادسرا و پلیس در نظام دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴، تابستان ۱۴۰۰.
- ۲۳- ضرغامی، سیروس، «مطالعه تطبیقی نظام تعقیب کیفری در ایران و آمریکا از منظر معیارهای دادرسی منصفانه»، رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، زمستان ۱۳۹۷.
- ۲۴- عارفی، مرتضی و جلیل امیدی، «مبانی و موقعیت وکالت از متهم در اسناد بین‌المللی و نظام عدالت کیفری ایران»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
- ۲۵- فلچر، جورج پی، «مفاهیم بنیادین حقوق کیفری»، ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۲۶- قاسمی مقدم، حسن، «تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، دوره دوم، ۱۳۹۴.
- ۲۷- قیانچی، حسام و دانش‌ناری، حمیدرضا، «الگوهای دوگانه فرایند کیفری، کنترل جرم و دادرسی منصفانه»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
- ۲۸- کوشکی، غلامحسین و سهیل مقدم، سحر، «مطالعه تطبیقی حقوق شخص تحت نظر در نظام دادرسی کیفری ایران و آمریکا»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتم، شماره ۹۴، تابستان ۱۳۹۵.
- ۲۹- مارتی، می‌ری دلماس، «نظام‌های بزرگ سیاست جنایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
- ۳۰- مجیدی، سید محمود، «جلوه‌های ظهور حقوق کیفری امنیت مدار در فرانسه»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸.
- ۳۱- محسنی، فرید، «تحولات کیفری در قانون میهن پرستی آمریکا»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۱.
- ۳۲- مؤذن‌زادگان، حسعلی، بهزاد رضوی فرد، غلامحسین کوشکی و حمید هاشمی، «تحدید حقوق متهمان جرایم تروریستی در تحقیقات پلیسی، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی»، سال سیزدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷.

- ۳۳- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «درباره سیاست جنایی افتراقی»، دیپاچه در لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- ۳۴- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «آیین دادرسی کیفری: جدال قدرت - امنیت و حقوق - آزادی‌های فردی»، مجموعه مقالات همایش قانون آیین دادرسی کیفری: بنیان‌ها، چالش‌ها و راهکارها، دانشگاه شهید بهشتی، آذر ۱۳۹۴.
- ۳۵- نیوبور، دیوید دبلیو، «نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا»، ترجمه حمیدرضا قراگزلو، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۳۶-

English and Farncaise

- 1- Ashworth, Andrew & Redmayne, Mike, "Criminal Procedure", New York, Oxford University Press, 2010.
- 2- Blackstock, Jcape, Hodgson, Jacqueline & Ogorodova, A, "Inside police custody, Training Framework on the Provision of Suspect's Rights", United kingdom, Cambridge, Intersentia, LTD, 2014.
- 3- Del Carmen, Rolando, "Criminal Procedure, Law and Practice", 8th Edition, Wadsworth Cengage Learning Publishing, 2008.
- 4- Delage, Pierre-Jermo, "La Sanction des Nullites de la Garde a Vue: de la sanction Juridictionnelle A la sanction parquetiere", Archives de Politique criminelle, No 1, 2006.
- 5- Evelyne, Sire-Marin, "L' etat D' urgence, Rup ture de L'etat de Droit ou Continuïte des Procedures D' exception"? Dalloz, 2006. (www.carin.info).
- 6- Garner, Brayon, "Black's Law Dictionary", Thomson Publishing, 2004.
- 7- Hall, Daniel, "Criminal Law and Procedure", Delmar Cengage Learning Publisher, 5th Edition, 2009.
- 8- Jimeno, Marc, "After September 11th, The Fight Against Terrorism in National and European Law Substantive and Procedural Rule: some example", European Law Journal, Vol 10, No 2.
- 9- Lazerges, Christine, "Les Des orders de la Garde a Vue", Revue de Science Criminelle et de Droit penale Compare, Dalloz, No 1, 2010.
- 10- Parker, Jenifer Elizabeth, "Constitutional Law-United States v. Goldberg: The Third Circuit's Nontraditioned Approach to Waiver of the sixth Amendment Right to Counsel", Villaniva University School of Law Digital Respository, 1996.
- 11- Rogers, Richard, Harrison, Kimberly. S, Shuman, Daniel. W, Sewell, Kenne thw & Hazelwood, Bisa, "An Analysis of Miranda warning and Waivers, Comprenension and Coverage", American Psychology-Law Society, Division 41, 2006.
- 12- Ruggeri, Stefano, "Audi Alteram Partem in Criminal Proceeding, Toward a Participatory Understanding of Criminal Justice in Europe and Latin America, Department of Law", University of Messina, Italy, 2017.
- 13- Rousseau, Francois, "L'exception Terroriste dans La Procedure Penale Francaise", Journal of Eastern-European Criminal Law, No 1, 2016.

- 14- Samaha, Joel, "Criminal Procedure", 8th Edition, Wadsworth Cengage Learning, 2012.
- 15- Scheb, John.M & Scheb, John.M II, "Criminal Law and Procedure", 7th Edition, Wadsworth Cengage Learning, 2012.
- 16- Smith, C Jeremy, "The USA Patriot Act: Violating, Reasonable Expectation of Privacy Protecting by the Fourth Amendment without advancing National Security", North Carolina Law Review, No182, 2003.
- 17- Sottiaux, Stefan, "Terrorism and the Limitation of Rights, The Echr and the Constitution", Published in North America (US and Canada), by Hart Publishing, 2008.
- 18- Stefani, Gaston, Levasseur, Georges & Bouloc, Bernard, "Procedure Penale", 27eme Edition, Dalloz, 2020.
- 19- Touillier, Marc, "Quelle Politique Criminelle en Matiere de Droits de la Defense dans les procedures penales Derogatoires?" Archives de politique Criminelle, 2015.
- 20- Verges, Etienne, "La Transformation du Modele Francais de la Garde a Vue: Etude D'un Exemple D'acculturation de la Procedure penale", R.P.D.P. 2019.